

یادداشت

مناطق آزاد؛ پیشگام تحول دیجیتال



علی‌ملکی*

نوآوری‌های موفق معمولاً در مقیاس کوچک و محیط‌های کنترل‌شده آغاز می‌شوند و پس از آزمون و یادگیری، به سطح ملی یا جهانی گسترش می‌یابند؛ نکته‌ای که کلی کسب‌وتستسن، استاد فقید مدرسه کسب‌وکار هاروارد، در کتاب چهارم Dilemma's Innovator بر آن تأکید کرده است. این منطق، فلسفه وجودی بسیاری از مناطق آزاد موفق در عصر تحول دیجیتال را توضیح می‌دهد. از شتژن در چین گرفته تا جبل‌علی و اینترنت سیتی دوبی، ایس مناطق به میدان آزمایش سیاست‌ها و فناوری‌هایی تبدیل شده‌اند که اجرای آنها در مقیاس ملی پرهزینه یا پریسک است.

اما در ایران، مناطق آزاد بیش از آنکه با نوآوری و دیجیتالی‌شدن شناخته شوند، با معایفت‌های مالیاتی و واردات کالا پیوند خورده‌اند. این نگاه سنتی، در زمانی که موج چهارم انقلاب صنعتی با سرعتی بی‌سابقه پیش می‌رود، به نقطه‌ضعف راهبردی است و تأخیر در ایفای نقش «آزمایشگاه ملی تحول دیجیتال» به معنای عقب‌ماندن از رقبا خواهد بود.

مناطق آزاد ایران از نظر توریک، ظرفیت‌هایی مشابه نمونه‌های موفق جهانی دارند؛ انعطاف مقرراتی، دسترسی به سرمایه خارجی، تنوع بازیگران و امکان اجرای پالیوت‌های کم‌ریسک. اما ایس ظرفیت‌ها یا بلااستفاده مانده یا صرف پروژه‌های نمایشی شده‌اند. درحالی‌که در جهان، این مناطق با بهره‌گیری از همین مزیت‌ها، پنجره‌های واحد دیجیتال، بلاچین برای رهگیری کالا و اینترنت اشیا برای لجستیک هوشمند را ابتدا آزمایش و سپس به مقیاس ملی تعمیم داده‌اند، ما هنوز درگیر بحث‌های مقدماتی درباره ضرورت تحول دیجیتال هستیم.

ایس عقب‌ماندگی تنها به کمبود منابع مربوط نیست. نبود حکمرانی داده یکپارچه، ضعف ارزیابی اثر پروژه‌ها و کمبود مدیران آشنا با فناوری‌های نوظهور، موانع جدی پیش‌رو هستند. این در حالی‌ست که در شتژن، استفاده از هوش مصنوعی زمان ترخیص کالا را به کمتر از ۲۴ ساعت رسانده و در جبل‌علی، اینترنت اشیا رهگیری لحظه‌ای محموله‌ها را به استاندارد عملیاتی تبدیل کرده است. برای تغییر مسیر، باید اصلاحات نهادهی الهام‌گرفته از تجربه‌های موفق انجام شود: ایجاد مرکز حکمرانی داده مناطق آزاد، تعریف پالیوت‌های محدود و زمان‌بندی‌شده با شاخص‌های سنجش بهره‌وری، تدوین مشوق‌های مالیاتی مشروط به نوآوری رهپور و ال‌زام به همکاری با دانشگاه‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان در اجرای پروژه‌های دیجیتال.

اگر این مسیر عملی شود، مناطق آزاد ایران می‌توانند در مدت چند سال به میدان نقش‌آفرینی واقعی فناوری‌های نوظهور تبدیل شوند و همانند شتژن و دوبی، از «آزمایشگاه» به «الگوی ملی» گذر کنند. در غیراین‌صورت، این مناطق همچنان درگیر پروژه‌هایی خواهند ماند که بیش از آنکه گرهی از اقتصاد باز کنند، به رزومه مدیران رنگ و الوام می‌دهند.

◀ دانش آموخته مدیریت فناوری دانشگاه شهید بهشتی

خبرخوان

شنه طرح ترافیک اجرا نمی‌شود

مهر: معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران اعلام کرد: «در روزهایی که به دلیل ناترازی انرژی ادارات و نهادهای دولتی استان تهران تعطیل می‌شود، طرح ترافیک اجرائی نمی‌شود». محسن هرمزی، ادامه داد: «البته روزهایی که به دلیل آلودگی هوا و افزایش ذرات معلق تعطیل اعلام می‌شود، طرح ترافیک اجرا می‌شود». گفتنی است با استناد به درخواست وزارت نیرو و مصوبات کارگروه مدیریت انرژی و به منظور کاهش مصرف انرژی و مدیریت بهینه منابع در زمان اوج بار شبکه برق، کلیه ادارات و نهادهای دولتی استان تهران روز شنبه اول شهریور تعطیل است. این تعطیلی شامل واحدهای عملیاتی دستگاه‌های امدادی، درمانی، انتظامی، خدمات‌رسان و شعب کشیک بانک‌ها نخواهد بود.

افزایش ۳۰ درصدی حقوق رزیدنت‌ها

ایستا: وزیر بهداشت اعلام کرد: «به دنبال اقدامات انجام‌شده در یک سال گذشته، بدهی ۹۷ هزار میلیارد تومانی حوزه سلامت کاهش یافته و با جبران شش ماه از عقب‌ماندگی پرداخت‌های پرسنلی، در تلاشیم تا پرداخت‌ها به‌موقع شود و با افزایش ۳۰ درصدی حقوق رزیدنت‌ها از همین ماه و بهبود معیشت نیروهای طرح در مناطق محروم، حمایت از تیم ملی سلامت را تقویت کنیم». محمدرضا ظفرقندی گفت: «نگهداشت نیروی انسانی و در شرط اساسی دارد؛ اول آن است که به معیشت و شرایط زندگی آنها توجه شود و نیازهای اولیه‌شان تأمین شود. این موضوع باید در دستور کار باشد. شرط دوم نیز آن است که شرایط اجتماعی مناسبی را فراهم کنیم. جامعه پزشکی و اساسا جامعه علمی شایسته احترام هستند، باید شان آنها حفظ شود، احترام کافی گذاشته شود و رفتار نسنجیده با آنها انجام نشود. این موضوع نیز تابع شرایط اجتماعی کشور است و به این منظور باید شرایط ثبات، آرامش، صلح و احترام به شش و منزلت علمی همه دانشمندان فراهم باشد تا ماندگاری آنها بیشتر شود؛ هرکدام از این موارد کسر شود، طبیعتا مشکلاتی نظیر مهاجرت و سایر موارد ایجاد می‌شود».

علوم پزشکی تهران در صدر دانشگاه‌های کشور

دانشگاه علومپزشکی تهران در جدیدترین نتایج نظام معتبر رتبه‌بندی شانگهای (سال ۲۰۲۵) با قرارگرفتن در رازه رتبه‌ای ۴۰۱- ۵۰۰ عنوان برترین دانشگاه کشور را از آن خود کرده است. در این رتبه‌بندی، اسامی و جایگاه هزار دانشگاه برتر جهان منتشر شده که شش دانشگاه از جمهوری اسلامی ایران نیز در این فهرست وجود دارند. براساس نتایج این رتبه‌بندی، دانشگاه علوم‌پزشکی تهران در رتبه نخست و دانشگاه‌های تهران، تربیت‌مدرس، علوم‌پزشکی شهید بهشتی، صنعتی شریف و علوم‌پزشکی ایران به ترتیب در رده‌های بعدی برترین دانشگاه‌های کشور قرار دارند. در ویرایش ۲۰۲۵ رتبه‌بندی شانگهای، بیش از دوهزارو ۵۰۰ دانشگاه مورد ارزیابی قرار گرفته که نام هزار دانشگاه برتر آن منتشر شده است. اسامی ۵۱ دانشگاه از کشورهای اسلامی نیز در این فهرست دیده می‌شود. نظام رتبه‌بندی شانگهای با تکیه بر شاخص‌هایی همچون وجود برندگان جایزه نوبل و مدال فیلدز، تعداد محققان پراسنتاد و همچنین انتشار مقالات در مجلات معتبر «نیچر» و «ساینس»، اقدام به ارزیابی مؤسسات آموزش عالی می‌کند. همچنین تعداد مقالات نمایه‌شده در نمایه استنادی توسعه‌یافته علوم (SCIE) و نمایه استنادی علوم اجتماعی (SSCI) از دیگر معیارهای این رتبه‌بندی است.

توقف خطوط تولید، کاهش ظرفیت اشتغال و بار سنگین روانی بر دوش زنان به دلیل قطعی مکرر برق در استان‌های جنوبی

خوزستان در محاصره گرما

بسیاری از خانواده‌ها ناچارند روزها را در تاریکی و بی‌آبی بگذرانند. سالمندان و کودکان بیش از همه آسیب می‌بینند



مریم‌لطفی

زندگی روزمره مردم با کوچک‌ترین اختلال در انرژی و منابع آب فلج می‌شود و کسب‌وکارها، سلامت و آموزش نسل جوان به‌شدت آسیب می‌بینند.

می‌جنگند. در اینجا نمی‌توان از رشد فردی یا تعالی سخن گفت، چراکه اساسا نفس‌کشیدن و زنده‌ماندن به چالش‌ی هرروزه بدل شده است». او، به بحران هم‌زمان گرما و خاموشی‌ها اشاره می‌کند؛ بحرانی که به گفته او، در هیچ معادله‌ای از زندگی روزمره مردم نادیده گرفته نمی‌شود؛ «با قطع‌شدن آب و برق، بسیاری از خانواده‌ها ناچارند روزها را در تاریکی و بی‌آبی بگذرانند. سالمندان و کودکان بیش از همه آسیب می‌بینند. یک دوش آب خنک با یک جرعه آب سالم در چنین دمایی، برای خوزستانی‌ها به رویایی دست‌نیافتنی بدل شده است. ما از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی، یعنی نفس‌کشیدن و آب آشامیدنی، محروم مانده‌ایم. جناب مازلو اگر زنده بود و امروز به خوزستان می‌آمد، می‌دید که مردم این سرزمین هنوز در همان اولین پله هرم اسیر مانده‌اند. در اینجا، بیش از آنکه به فکر خودمشکوفانی باشیم، باید برای حق حیات بجنگیم؛ برای آب، برق، برای هوایی که بتوان در آن نفس کشید».

فقر ناشی از گرما و بی‌برقی

در خوزستان داغ، تابستان دیگر فقط فصل گرما نیست؛ فصل انتخاب‌های سخت است. خانواده‌ها بین قبض‌های سرسام‌آور برق و خطر گرمازدگی یکی را باید تحمل کنند. کولرهای گازی که روزگاری تنها راه نجات از دمای بالای ۵۰ درجه بودند، حالا با جهش قیمت و هزینه مصرف، به کالایی لوکس تبدیل شده‌اند. برخی از خانواده‌های کم‌درآمد ناچار شده‌اند به کولرهای آبی یا پنکه‌های قدیمی بسنده کنند؛ وسایلی که در دمای بالای ۴۵ درجه عمل کارایی چندانی ندارند. در این میان، کسب‌وکارهای فضای باز نیمه‌تعطیل‌اند، کشاورزان کار را به شب موکول می‌کنند و کارگران خدماتی، هر ساعت زیر آفتاب، بهای بیشتری از سلامتی خود می‌پردازند. گرما، معیشت خوزستان را در سکوت می‌بلعد. از سوی دیگر خاموشی‌های مکرر برق در خوزستان، کارخانه‌ها و صنایع کوچک و متوسط را درگیر بحرانی تازه کرده است. شهلا عموری، رئیس اتاق بازرگانی اهواز، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید این خاموشی‌ها فشار فزاینده‌ای بر تولید را متوقف نکرده، بلکه زنجیره تأمین، بازار فروش و اعتماد سرمایه‌گذاران را نیز تحت فشار گذاشته است.

عموری توضیح می‌دهد که در ماه‌های اخیر، توقف‌های ناگهانی برق باعث خسارت‌های مستقیم به ماشین‌آلات و مواد اولیه بسیاری از واحدها شده است. در برخی صنایع، تنها یک ساعت قطعی برق، معادل چند روز توقف در تولید هزینه‌ساز بوده و اثرات آن بر ظرفیت اشتغال، افزایش بیکاری و حتی خروج سرمایه‌گذاران قابل مشاهده است. صنایع غذایی و فولادی که نقش کلیدی در اقتصاد استان دارند، بیشترین آسیب را متحمل شده‌اند و قیمت تمام‌شده محصولاتشان نیز افزایش یافته است. او می‌گوید مدیریت مصرف برق می‌توانست از نشت‌های علمی و پژوهشی انجام شود. اجرای طرح مدیریت بار در ساعات اوج مصرف، برنامه‌ریزی برای استفاده از انرژی جایگزین، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و حتی ارائه تسهیلات برای نصب ژنراتورهای اضطراری می‌توانست از این حجم خسارت جلوگیری کند. شهلا عموری تأکید می‌کند که بخش خصوصی منتظر نقشه راه شفاف در حوزه انرژی است. به گفته او، خاموشی‌های مکرر نه‌تنها هزینه تولید را بالا می‌برد، بلکه اعتماد سرمایه‌گذاری در خوزستان را نیز کاهش می‌دهد و در بلندمدت تهدیدی جدی برای اشتغال هزاران نفر به شمار می‌رود. با وجود ظرفیت گسترده انرژی، خوزستان نباید شاهد چنین بحران‌هایی باشد. بخش خصوصی بارها پیشنهاد داده که با استفاده از انرژی خورشیدی و توسعه نیروگاه‌های کوچک در شهرک‌های صنعتی، پایداری شبکه برق تقویت شود. عموری می‌گوید تنها با گفت‌وگوی مستمر دولت و بخش خصوصی، ارائه گزارش‌های شفاف و برنامه‌ریزی مشترک برای مدیریت مصرف، می‌توان جلوی ضربه به تولید و اشتغال در استان را گرفت.

شهری‌روح

«تا کسی از نزدیک نباید، نمی‌فهمد، با فیلم و گزارش نمی‌توان گرمای اینجا را حس کرد». این را یکی از اهالی اهواز به «شرق» می‌گوید. در نگاهش شهر خالی از زندگی است: «وقتی وارد اهواز می‌شوید، شهری بی‌روح می‌بینید؛ ساختمان‌هایی که یک رودخانه از میان آن می‌گذرد، اما هیچ درخت و فضای سبزی در اطرافش نیست. کارون می‌تواند آب درختان را تأمین کند، اما شهرداری هیچ اقدامی نکرده است. با کمترین هزینه می‌شد شهر را زیباتر و دمای هوا را قابل تحمل‌تر کرد». این شهروند ادامه می‌دهد: «به جای ایجاد کمربندهای سبز و کاشت درختان مثمر، اهواز به بیابان تبدیل شده است. منابع طبیعی و شهرداری حتی توانایی کاشت و نگهداری درخت را ندارند. در حالی که سطح آب‌های زیرزمینی پالوده و هر درخت با مراقبت اولیه می‌تواند زنده بماند». او می‌گوید که هیچ اقدامی برای بیابان‌دایی، جنگل‌کاری یا حفظ محیط زست انجام نشده، در حالی که کاشت درختان نه تنها جلوی آلودگی هوا را می‌گیرد، بلکه دمای هوا را نیز کاهش می‌دهد.

آتش در تالاب، گرد و غبار در هوا

خوزستان، آستانی که روزگاری نخل‌های سر به فلک کشیده و تالاب‌های پرآبش نماد زندگی و سرسبزی جنوب بود، امروز بیش از هر زمان دیگری درگیر بحران‌های محیط‌زیستی است. مسعود کتغانی، فعال محیط زیست و شناخته‌شده با لقب خادم‌النخل، از وضعیت این روزهای خوزستان به «شرق» می‌گوید: «در دهه دهه اخیر خوزستان به بحرانی‌ترین و پرچالش‌ترین استان کشور در حوزه محیط‌زیست بدل شده است. انتقال‌های بی‌برهه آب و کاهش دبی رودخانه‌ها، اکوسیستم استان را به شدت تغییر داده؛ هزاران نخل خشکیده، تالاب‌هایی که به شوره‌زار تبدیل شده‌اند و اقتصاد بومی‌ای که فرو ریخته است. با این نابسامانی‌ها، نه‌تنها شغل و درآمد مردم از میان رفت، بلکه ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی آنها هم آسیب دید». اما این فقط آغاز ماجراست. کتغانی معتقد است تغییرات آب‌وهوایی که نتیجه همین دستکاری‌ها در طبیعت بوده، خوزستان را به یکی از سخت‌ترین نقاط برای زندگی بدل کرده است: «دمای هوا بالا رفته، زیرگرد‌ها نفس‌ها را بریده و رودخانه‌ها توان خودپالایی‌شان را از دست داده‌اند. آب کارون و کرخه دیگر آب نیست؛ مجرای سباب و فاضلاب شهرهای بالادست است. مردمی که در پایین‌دست زندگی می‌کنند، از ابتدایی‌ترین حق یعنی آب سالم محروم هستند». اگر از گرما و کم‌آبی بگذریم، پدیده تازه‌ای هم به بحران‌ها اضافه شده است: آتش‌سوزی‌های مکرر در نزارهای هورالعظیم. به گفته خادم‌النخل خشک‌یدن تالاب و فعالیت‌های نفتی در منطقه باعث شده شعله‌ها یکی پس از دیگری تالاب را ببلعند. دود این آتش‌ها همراه با گرد و خاک از کانون‌های داخلی و حتی بخش عراقی هورالعظیم برخاسته و به ره مردم رسیده است؛ «همین روزها ده‌ها سالمند و بیمار قلبی و تنفسی به دلیل این وضعیت در بیمارستان‌ها بستری شده‌اند». این تابستان، زندگی در خوزستان از همیشه دشوارتر شده است. دماسنج‌ها در برخی مناطق تا ۶۰ درجه را نشان داده‌اند و درست در همین شرایط، آب و برق مرتب قطع می‌شود. کتغانی می‌گوید: «مردم آبادان، که ستاد بحران ویژه خوزستان تشکیل دهد. اگر امروز اقدام نکنیم، تاب بیاورند، بلکه با شوری آب، قطعی‌های بی‌دری آب شرب و خاموشی‌های طولانی هم در دست به گریبان‌اند. تصور کنید در چنین دمایی نه آب سردی در دسترس باشد، نه برقی برای کولر و نه هوایی پاک برای نفس‌کشیدن». او که سال‌هاست دغدغه محیط زیست خوزستان را دنبال می‌کند، می‌گوید شرایط امروز دیگر تنها یک بحران زیست‌محیطی نیست؛ این یک تهدید جدی برای حیات انسان‌هاست: «حیات خوزستانی‌ها به‌شدت در مخاطره است. پیامدهای این وضعیت هولناک و غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود. انتظار از دولت این است که فورا یک ستاد بحران ویژه خوزستان تشکیل دهد. اگر امروز اقدام نکنیم، فردا دیر خواهد بود».

زیست‌بوم

تاب‌آوری اکولوژیک؛

سیری فراموش‌شده در برابر بحران‌ها

علی ارواحی، متخصص مدیریت اکوسیستم‌های آبی؛ تجارب جهانی نشان داده است در هر درگیری نظامی، بخشی از زیان‌های نادیده‌مانده اما عمیق، به محیط زیست وارد می‌شود. تخریب زیستگاه‌ها، آلودگی منابع آب و خاک، آتش‌سوزی‌های گسترده، مهاجرت گونه‌ها و بهره‌برداری غیرمجاز از منابع طبیعی، تنها بخشی از آثار پنهان جنگ‌ها بر اکوسیستم‌هاست. پس از تنش کم‌سابقه میان ایران و اسرائیل، بار دیگر نگاه‌ها به ابعاد مختلف درگیری‌های نظامی معطوف شده؛ اما همچنان یکی از ابعاد مغفول‌مانده، نقش حیاتی تاب‌آوری اکولوژیک در مواجهه با چنین بحران‌هایی است. در شرایطی که منطقه در معرض گمانه‌زنی‌های جدی درباره احتمال تشدید تنش‌ها قرار دارد، پرداختن به پیوند میان تاب‌آوری زیست‌محیطی و تاب‌آوری اجتماعی-اقتصادی، نه‌تنها یک ضرورت تخصصی، بلکه بخشی از گفتمان امنیت ملی محسوب می‌شود. تخریب منابع طبیعی و عملکردهای بوم‌شناختی، پیامدهای مستقیمی بر معیشت، سلامت، امنیت غذایی و انسجام اجتماعی دارد. در مقابل، زیست‌بوم‌های سالم و مقاوم همان سیر طبیعی فراموش‌شده‌ای هستند که می‌توانند به جوامع کمک کنند تا سریع‌تر خود را بازسازی کنند؛ چه در دل بحران و چه در دوره پس‌بحران. در ادامه، ۱۲ افکار کلیدی برای افزایش تاب‌آوری اکولوژیک در دوران جنگ و پساجنگ، به‌ویژه در بستر پرتنش منطقه‌ای کنونی، پیشنهاد می‌شود:

- حفاظت پیشگیرانه از مناطق حساس؛ ایجاد پهنه‌های امن زیستی در نزدیکی مناطق بحرانی و کاهش تداخل توسعه‌های نظامی و صنعتی در اطراف آنها از واردآمدن آسیب‌های مستقیم به زیستگاه‌ها حساس جلوگیری می‌کند.
- مدیریت منابع آب در شرایط بحرانی؛ تأمین حداقل نیاز آبی زیست‌بوم‌های آبی، حتی در دوران جنگ، از طریق تخصیص منابع آب، ذخیره‌سازی باران و استفاده از فناوری‌های تصفیه طبیعی ضروری است.
- فناوری‌های کم‌هزینه برای پایش؛ پهپادها، تصاویر ماهواره‌ای و حسگرهای محلی، بدون نیاز به حضور فیزیکی در مناطق جنگی، می‌توانند اطلاعات ضروری برای تصمیم‌گیری محیط‌زیستی را فراهم کنند.
- تقویت تنوع زیستی به‌عنوان سیر طبیعی؛ حمایت از گونه‌های بومی و مقاوم و ایجاد کریدورهای زیستی در مناطق با ریسک بالا، ظرفیت طبیعی اکوسیستم‌ها را برای مقاومت در برابر بحران‌ها افزایش می‌دهد.
- مدیریت ریسک‌های زیست‌محیطی جنگ؛ شناسایی ریسک‌هایی مانند بروز حریق‌ها، نشت آلاینده‌ها، بهره‌برداری غیرمجاز و تدوین برنامه‌های مداخله سریع برای کنترل و کاهش آنها حیاتی است.
- بازسازی سریع پس از درگیری؛ پاک‌سازی خاک و آب، احیای پوشش گیاهی و بازگردان گونه‌های بومی باید بلافاصله پس از درگیری آغاز شود تا از فروپاشی کامل اکوسیستم‌ها جلوگیری شود.
- مشارکت جوامع محلی؛ توانمندسازی آموزش و ارائه مشوق‌های اقتصادی به جوامع محلی، مشارکت آنان را در حفاظت و احیای اکوسیستم‌ها، به‌ویژه در دوره‌های بحران تقویت می‌کند.
- مستندسازی و پیگیری حقوقی؛ ثبت دقیق تخریب‌های زیست‌محیطی در زمان جنگ می‌تواند برای پیگیری حقوقی، جلب حمایت بین‌المللی و مستندسازی تجربیات آینده مفید واقع شود.
- تقویت دیپلماسی محیط‌زیستی؛ در شرایطی که بخشی از اکوسیستم‌ها ماهیت فرامرزی دارند، باید دیپلماسی محیط‌زیستی و سازوکارهای همکاری منطقه‌ای حتی در شرایط تنش، برقرار و فعال باشد.
- تاب‌آوری زیرساخت‌های سبز شهری و روستایی؛ فضاهای سبز، باغ‌های شهری و زیرساخت‌های طبیعی مانند رهنش‌ها یا کانال‌های طبیعی، باید مقاوم و قابل بازسازی سریع در برابر آسیب‌های جنگی باشند.
- ملاحظات محیط‌زیستی در سیاست‌های دفاعی و بازسازی؛ ادغام ارزیابی‌های زیست‌محیطی در برنامه‌ریزی نظامی و بازسازی پساجنگ منابع از تعمیق آسیب‌ها و تسریع در احیا می‌شود.
- سازوکارهای مالی برای بازسازی محیط زیست؛ ایجاد صندوق‌های مالی و وضع عوارض بر صنایع پرریسک یا شرکت‌های دفاعی می‌تواند پشتوانه‌ای برای احیای طبیعت آسیب‌دیده از جنگ باشد.